

## تأثیر داروها بر رانندگی

این بود که آیا راننده یک وسیله نقلیه مادامیکه توانائی وی بواسطه اثرات حاصل از یک دارو دچار اختلال میگردد در صورت رانندگی میتواند مشمول یک قانون ایالتی موسوم به

موضوعی که اخیراً توسط دادگاه استیناف کنتاکی مورد بررسی و تصمیم گیری قرار گرفت

\*عضویت مدیره شرکت سهامی دارونی کشور

driving under the influence که در فارسی میتوان آنرا «رانندگی تحت تأثیر» ترجمه نمود، قرار گیرد؟

گرچه چنین موضوعی برای اولین بار مطرح نمیکردید لکن نتیجه مباحثات انجام شده

**● مصرف دیازپام ممکن است بروز تصادفات رانندگی را افزایش دهد، اما الکل همچنان عامل اصلی ایجاد خطر در تصادفات می باشد.**

بار دیگر بر نقش برخی از داروها در مختل نمودن توانائی افراد در هنگام رانندگی تأکید داشت. طرح موضوع مورد بحث از آنجا آغاز شد که راننده ای توسط مأمور پلیس متوقف و پلیس متوجه گردید که راننده قادر به ایستادن روی پای خویش نمیباشد. آزمایشات انجام شده روی راننده سطح الکل موجود در خون را صفر نشان داده و مصرف الکل توسط وی را رد میکرد، مهذا راننده بر اساس یکی از مواد قانون ایالتی کنتاکی که حاوی این عبارت میباشد: «هیچ فردی در این ایالت مادامیکه تحت تأثیر الکل یا هر نوع ماده دیگری که ممکن است قدرت رانندگی را دچار اختلال نماید قرار داشته باشد مجاز به رانندگی وسائط نقلیه نخواهد بود»، بازداشت گردید.

آنچه که بعنوان مالک محکومیت نامبرده مورد استناد قرار گرفت همانا قانون مورداشاره یعنی «رانندگی تحت تأثیر» بود که در محدوده دادگاه آن ناحیه باجرا درمیآمد. لذا راننده در اعتراض به حکم صادره در گام نخست از دادگاه

تقاضای تجدیدنظر نموده و مشروعیت قانون مربوط را مورد سؤال قرار داد. استدلال اصلی وی بر نارسا بودن عبارت مورد نظر قرار داشت، بدین معنی که عبارت بکار گرفته شده در قانون در آگاهی دادن به يك فرد عادی که در حال رانندگی و عبور میباشد از این جهت که آنچه بعنوان ماده (substance) در عبارت مزبور از آن یاد شده چه نوع موادی را شامل میشود ناکافی و نارسا میباشد، با اینحال محکومیت نامبرده تأیید گردید. او این بار با تقاضای دادخواهی از دادگاه استیناف کنتاکی موضوع را مورد پیگیری قرار داد.

دادگاه استیناف با اشاره به نظرات قابل قبول دادگاه قبلی و تأیید رای صادره، بخشی از آنرا بشرح زیر مورد استناد قرار داد:



«استیناف دهنده یعنی راننده استدلال می نماید که قانون بایستی وی را آگاه نماید مصرف یا تزریق چه نوع موادی به بدن قبل از قرار گرفتن پشت فرمان غیر قانونی میباشد.» بنظر این دادگاه نامبرده مطلب را بدرستی درک

بدلیل آثار ناشی از مصرف الکل یا هر ماده دیگری تا مدتی نمیتواند رانندگی کند. دادگاه بر این نکته تأکید داشت که آنچه در عبارت مورد نظر بکاررفته در صورت دقت میتواند

نکرده است زیرا در اینجا جرم، مصرف الکل یا هر نوع ماده دیگر نبوده بلکه ادامه هدایت یک وسیله نقلیه مدتی بعد از کاسته شدن توانائی فرد در رانندگی بوده است و لذا منظور از وضع



است با اندازه کافی قابل درک و هشدار دهنده باشد و اضافه نمود: « آنچه که قانون مزبور بیان میدارد اینست که زمانی که توانائی شما در رانندگی دچار اختلال شده است از رانندگی

قانون مورد بحث، منع نمودن استعمال الکل، غذا یا دارو توسط فرد نبوده بلکه هدف بازداشتن وی از آسیب رساندن یا بخطر انداختن زندگی سایر مردم میباشد، زیرا چنین فردی میداند که

خودداری نمائید».

اعتراض راننده این بود که قانون اسامی موادی را که با توجه به عبارت مربوطه میتوانسته است فرد را در صورت رانندگی مواجه با اشکال نماید به لیست اضافه ننموده است و در مقابل دادگاه استیناف اعلام نمود: «اینکه قانون کلیه موادی را که ممکن است توانائی فرد را در رانندگی دچار اختلال نماید در يك لیست درج نماید انتظار نابجا و بیش از حدی است. بعلاوه ماده ای که توانایی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد ممکن است در فرد دیگری تأثیری نداشته باشد. ثانیاً در این صورت قانون بایستی همچنین روشن نماید هر ماده بخصوص تا چه میزان میتواند بدون بر جای گذاشتن آثار سوء مورد استفاده قرار گیرد. قرار گیرد. بعنوان مثال ماده ای مانند \* stewed prunes ممکن است توانائی يك شخص را در رانندگی مختل نموده و حال آنکه در سایر اشخاص بی تأثیر باشد. از سوی دیگر يك فنجان از ماده مذکور ممکن است روی يك راننده بخصوص تأثیری نداشته باشد در حالیکه يك quart (پیمانه ای حدود يك لیتر) آن توانائی همان راننده را دچار اشکال نماید. بنظر این دادگاه قانون کاملاً روشن است: «اگر شما الکل یا هر نوع ماده دیگر که قدرت رانندگی را در شما با اشکال روبرو میسازد مصرف نموده باشید قانون شما را موظف میسازد از انجام رانندگی پرهیز نمائید». سپس دادگاه استیناف تصمیم گرفت تلاش

\* نوعی نوشابه الکلی که از آلودگی تخمیر شده بدست می آید.

خود را برای یافتن مثالهایی از آن دسته موادی که ممکن است توانائی فرد را در رانندگی با اشکال مواجه نماید بشرح زیر بکار گیرد:

«اگرچه در جریان محاکمه مثال stewed prunes بکار گرفته شد، اما میتوان قهوه یا چائی را نیز در این زمینه مورد استفاده قرار داد. در برخی از افراد مصرف مقادیر کافی از نوشیدنیهای حاوی کافئین ایجاد يك حالت عصبانیت شدید مینماید، باندازه ای که قدرت فرد را برای يك رانندگی مناسب سلب خواهد نمود. آنچه که قانون تصریح می کند این است که در مصرف کافئین تا آنجا زیاده روی نکنید که وقتی پشت فرمان قرار می گیرید خطری برای خود و دیگران باشید».

بالاخره دادگاه استیناف استدلالات راننده را در مورد ابهام موجود در عبارت بکار رفته در قانون را وارد ندانسته و رأی صادره را تأیید نمود. این موضوع که آیا دارو بعنوان يك عامل میتواند در مختل نمودن توانائی فرد در رانندگی نقش داشته باشد سالها قبل بواسطه موردی که در ایالت واشنگتن رخ داد مطرح گردید. در این ماجرا يك راننده اتوبوس توسط پزشک معالجتش ویزیت شد و از وی برای درمان نوعی ناراحتی

**• رانندگی در اوقاتی که فرد در یک حالت رخوت قرار دارد، دقت و توجه فوق العاده ای را ایجاب می نماید.**

در بینش تقاضای دارو نمود و دارویی بنام pyribenzamine که نوعی آنتی هیستامینیک است برای وی تجویز گردید. نامبرده شخصاً

اطلاعی از اینکه داروی مزبور پس از مصرف ایجاد خواب آلودگی مینماید و این اثر میتواند برای حرفه وی خطری بحساب آید، نداشت. هنگام دریافت دارو از داروخانه، داروسازانه تنها بیمار را از خاصیت خواب آلودگی دارو آگاه ساخت بلکه حتی از الصاق برچسب مخصوص روی قوطی دارو بمنظور هشدار به وی کوتاهی کرد. توجه داشته باشید که این موضوع مربوط به سال ۱۹۶۵ یعنی زمانی است که مسئولیت داروسازان در امر مشاوره با بیمار هنوز در مراحل اولیه خود بود. ضمناً این نکته نیز قابل توجه است که در جریان اقامه دعوی که بدنبال ماجرای فوق صورت گرفت داروساز یادشده بعنوان مقصر به دادگاه احضار نشد.

بیمار یعنی راننده اتوبوس صبح روز بعد پس از خوردن اولین قرص از خانه خارج گشت و در حین رانندگی برای لحظاتی بخواب رفت و باعث گردید اتوبوس از جاده منحرف شده و به يك تیرچراغ برق اصابت نماید. یکی از مسافران اتوبوس که در این حادثه مجروح شده بود بدادگاه شکایت نمود و در محاکمه ایکه متعاقب آن صورت گرفت رأی دادگاه علیه شرکت اتوبوس رانی و راننده آن بود، ولی از پذیرفتن ادعای مجروح علیه پزشکی که دارو را تجویز نموده یا کلینیکی که پزشك در آنجا بکار اشتغال داشت، خودداری ورزید.

در مرحله استیناف مباحث قانونی متعددی مورد بحث قرار گرفت اما آنچه که بیشتر مورد توجه بود اینکه آیا تخلف راننده اتوبوس يك اهمال ذاتی است یا يك تخلف از قانون محسوب

میشود؟ ماده قانونی مورد بحث از اینقرار میباشد :

رانندگی در بزرگراه های عمومی برای افرادی که داروئی را در حدی مصرف نموده

**● حادثه ای که در واشنگتن رخ داد، اهمیت موضوع مشاوره و راهنمایی های لازم به بیماران توسط داروسازان را بیش از پیش تقویت نمود.**

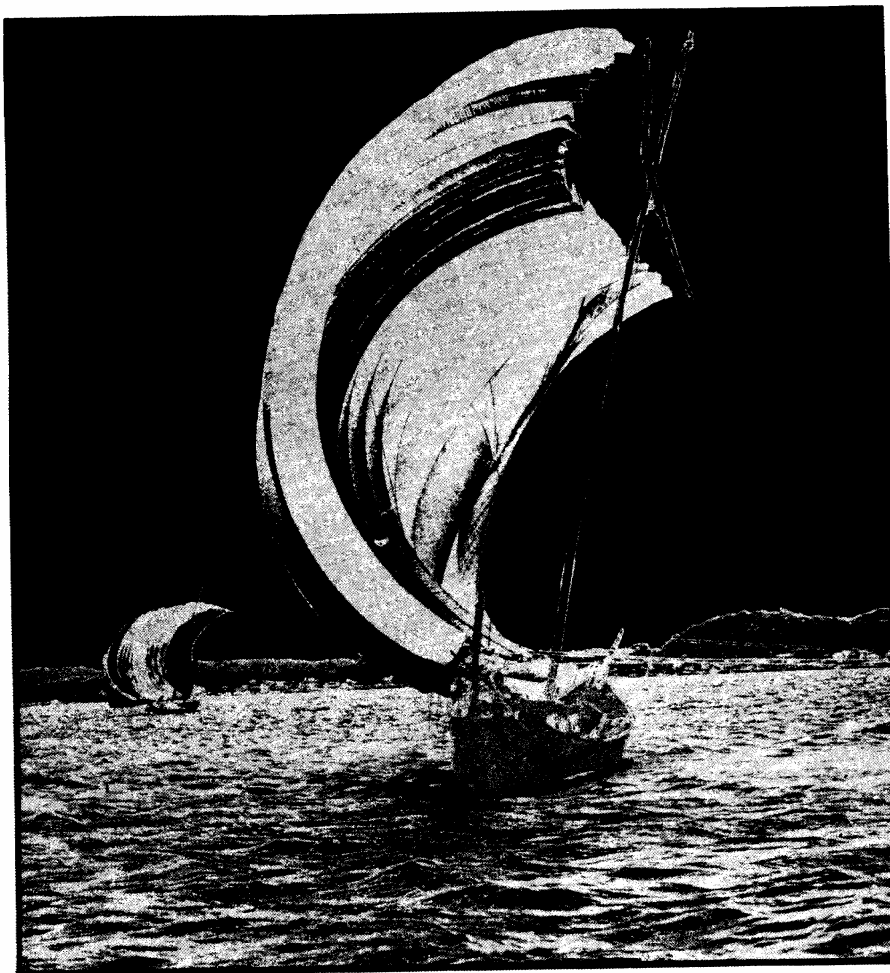
باشند که آنها را در هدایت صحیح يك وسیله نقلیه ناتوان سازد غیر قانونی میباشد.

اکثریت اعضای دادگاه عالی واشنگتن بر این اعتقاد بودند که فردیکه بدون آگاهی از عوارض سوء يك دارو اقدام به مصرف آن نموده طبق قانون مزبور نمیتواند متخلف بحساب آید، لذا بحث در مورد اهمال ذاتی در اینجا بدلیل عدم شمول بیحاصل خواهد بود. عقیده اکثریت در این بود که محکومیت شخص مستلزم آگاهی وی از آثار سوء دارو بوده تا بتوان قانون مورد نظر را درباره وی بکار برد که البته این امر مسئولیت را بیشتر متوجه بیمار میکند تا قبل از قرار گرفتن در پشت فرمان، آثار دارو را روی خویشان ارزیابی نماید. ضمناً باید توجه داشت که این قانون بتدریج مورد تجدید نظر قرار گرفته است.

تعدادی از گزارشات مندرج در نشریات داروئی به رابطه موجود بین استفاده از داروها و اختلالات حاصل از آنها در فن رانندگی پرداخته است. در گزارشی که به سال ۱۹۷۹ در یکی از نشریات انگلیسی در همین زمینه بچاپ

پسیکوموتور این داروها یا بواسطه شرایطی باشد که تحت آن شرایط مورد درمان قرار گرفته‌اند. سال بعد در يك گزارش تحقیقی که

رسید رابطه نزدیکی بین استفاده از آرام‌بخش‌های ضعیف و خطر تصادف‌های شدید ناشی از آنرا بیان داشته‌است. اگرچه مؤلفین آن



در کشور فنلاند منتشر گردید اینگونه نتیجه‌گیری شده بود که: مصرف دیازپام ممکن است بروز تصادفات رانندگی را افزایش دهد، اما تأکید بر آن بود که الکل همچنان عامل اصلی

مقالات نتوانسته بودند علل دقیق افزایش خطر را دسته‌بندی کنند، اما نوشته بودند: خطر تصادفات رانندگی برای افرادی که تحت درمان با آرام‌بخش‌ها هستند میتواند ناشی از اثرات

ایجاد خطر در تصادفات مییابد. سرانجام مطالعات انجام شده در همان کشور این بود که رانندگی در اوقاتیکه فرد در يك حالت رخوت قرار دارد، دقت و توجه فوق العاده‌ای را ایجاب



می‌نماید.

اگر قوانین ایالتی در صدد بسط تعریف قانون مزبور یعنی *under the influence* بر آید بطوریکه شامل از خودبیخود شدن و یا مسمومیت ناشی از داروها نیز شود آنگاه دشواری کار، تعریف مسمومیت و تأثیر پذیری از داروها خواهد بود. با استفاده از قوانین موجود که در غالب ایالات بکار برده میشود وجود ۰/۱٪ الکل در خون موجب ایجاد اختلال در رانندگی گردیده و رانندگی در چنین شرایطی بمعنی تخلف از قانون خواهد بود. درجه دقت در روشی که باین منظور بکار گرفته میشود خالی از نقص نیست، زیرا اگرچه توانائی رانندگان در انجام رانندگی دچار اختلال میشود لکن درجه آن دقیقاً نمیتواند مورد اندازه گیری قرار گیرد. بعنوان

مثال در معتادین به الکل، مقاومت به اثرات ناشی از مصرف الکل بعد از مدتی فزونی یافته بنحویکه اثرات مقدار معینی الکل از فردی به فرد دیگر ممکن است تغییرات قابل ملاحظه‌ای را نشان دهد. بنابراین مرتب ساختن دامنه اختلال ایجاد شده در توانائی يك فرد در رانندگی صرفاً از طریق اندازه گیری مقدار الکل موجود در خون، کار مشکلی مییابد. افرادی که تحت تأثیر اینگونه مواد قرار گرفته باشند علائم گوناگونی از خود نشان میدهند که شناسائی این علائم و دستیابی به این نتیجه که توانائی فرد در رانندگی دچار اشکال گردیده کار چندان ساده‌ای نیست حتی بازرسی کار آزموده هم در تشخیص میزان مسمومیت و اختلال ناشی از آن، از افراد معمولی خیلی بهتر عمل نکرده‌اند.

شناسائی صحیح افراد از خودبیخود شده، دارای دامنه تغییرات وسیعی بوده است. مشکل تعریف و اندازه گیری نقصان توانائی شخص در اثر مصرف دارو موقعی شدیدتر میشود که این حقیقت مورد توجه قرار گیرد که تعداد

● از داروسازان انتظار می‌رود که اطلاعات مربوط به داروهای مؤثر بر رانندگی را بعنوان بخشی از وظایف خویش در اختیار بیماران قرار دهند.

بسیار زیادی از داروها هستند که عارضه جانبی آنها بر توانائی شخص در رانندگی و سائط نقلیه تأثیر میگذارد. این امر اندازه گیری اختلال ناشی از اثر دارو را بصورت يك تست ساده در مقایسه

با تست تنفسی که در مورد مصرف الکل بکار میرود تقریباً غیر ممکن میسازد بنابراین بنظر میرسد تشخیص ظاهری درجه اختلال حاصل از مصرف دارو نیاز به گذشت زمان داشته و به آینده موکول میگردد.

اهمیت راهنمایی آن دسته از بیماران که داروهائی را دریافت و مصرف میکنند که ممکن است در مهارت آنها در رانندگی تأثیر داشته باشد در مطالعات انجام شده در کشور انگلستان مدنظر قرار داشته است، از جمله توصیه شده: باید به بیمارانیکه داروهائی نظیر دیازپام مصرف میکنند این آگاهی داده شود که در معرض خطر قرار دارند.

حادثه‌ایکه در واشنگتن رخ داد و شرح آن قبلاً داده شد اهمیت موضوع مشاوره و راهنمایی‌های لازم به بیماران توسط داروسازان را بیش از پیش تقویت نمود. در آن ماجرا راننده اتوبوس در ابتدایاناراحتی مربوط به بینی خود را با پزشک مورد بحث قرار میدهد لکن پزشک بدلائلی فراموش میکند نسخه حاوی دارو یعنی Pyribenzamine را همان موقع نوشته و به بیمار ارائه نماید در نتیجه بیمار روز بعد مجدداً به پزشک مراجعه و نیاز خود به دارو را یادآوری میکند، بر حسب تصادف پزشک در لحظه مراجعه بیمار مشغول بوده و تنها نسخه را نوشته و بدون هیچگونه توضیح یا تذکری در مورد چگونگی مصرف دارو یا مراقبت‌هائی که در طول مصرف دارو، لازم است بعمل آید تحویل بیمار مینماید. بنابراین در اینجا تنها فرصت باقیمانده در اختیار داروساز بوده که میتواندست با آگاه نمودن

راننده از اثرات جانبی دارو قبل از مبادرت به رانندگی از بروز دردهای بعدی جلوگیری نماید.

شخصی بنام Jacknowity لیست پاره‌ای گروههای داروئی را که ممکن است در توانائی فرد در رانندگی تأثیر گذاشته و ایجاد اشکال نماید بشرح زیر طبقه‌بندی نموده است:

داروهای ضدافسردگی - آنتی‌هستامین‌ها - ضددردهای مخدر - بعضی از پایین آورنده‌های فشار خون (مانند زرپین و متیل‌دوپا) و آنتی‌کلینرژیک‌ها اعم از اینکه بصورت موضعی و یا سیستمیک بکارروند.

با توجه به استانداردهای حرفه‌ای موجود در شرایط فعلی نسبت به آنچه که در سال ۱۹۶۵ وجود داشته است از داروسازان انتظار میرود چنین اطلاعاتی را بعنوان بخشی از وظایف خویش در ارتباط با مراقبت‌های ویژه در اختیار بیماران قرار دهند.

در خاتمه میتوان گفت با توجه به قانون under the influence در هر یک از ایالات، داروسازان با کسب اطمینان از اینکه بیماران آگاهی‌های لازم را از خطرات بالقوه داروهائی که مورد مصرف قرار میدهند، بدست آورده‌اند نقش عمده‌ای در دور نگهداشتن این بیماران از گرفتاریهای قانونی ایفا می‌نمایند.

مأخذ:

Fink, J.L, Driving Under the Influence of Medications, American Pharmacy, 29:5, PP: 25-28, 1989.